



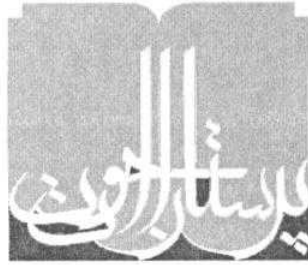
بسم الله الرحمن الرحيم

ضوابط علی



علی سلیمی مزینانی

مشهد مقدس - پرتاران جوان



انتشارات پرستاران جوان

سرشناسه: سلیمی مزینانی، علی ۱۳۴۰

عنوان و پدیدآور: صراط علی / تألیف سلیمی مزینانی علی

مشخصات نشر: مشهد، پرستاران جوان، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ص ۱۳۶، مصور،

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۹۰-۲۶-۱

وضعیت فهرست نویسی: قیبا

موضوع سلیمی مزینانی، علی، ۱۳۴۰ -- یادداشت ها،

طرح ها و غیره

موضوع مزینان

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ آ ۳ / ۹۸ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۷۲

شماره کتابخانه ملی ۴۲۷۳۶۶۲

صراط علی

علی سلیمی مزینانی

تألیف

پرستاران جوان

ناشر

یار آشنا

حروفچینی و صفحه آرایی

اول / ۱۳۹۵

نوبت چاپ

۶۰۰

شمارگان

کتاب

طراح جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۹۰-۲۶-۱ ۱۵۰۰۰۰ ریال

مرکز نشر و پخش

مشهدالرضا: خیابان سناباد، بین سناباد ۶ و ۸، طبقه منهای یک پلاک ۱۰۴

تلفن راهنما ۳۸۴۴۴۵۴۴ و ۳۸۴۲۱۷۴۴

<http://www.parastaranejavanpub.ir>

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است. این اثر مشمول قانون حمایت از مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۱/۱ و قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۰/۱۰/۰۶ می باشد. بازنویس، خلاصه برداری یا برداشت بخشی از متن یا شکل ها و جدول های کتاب و انتشار آن در قالب کتاب های ترجمه، تألیف، خلاصه، تسه یا نرم افزار بدون اجازه کتبی ناشر، غیر قانونی و شرعا حرام بوده و موجب پیگرد قانونی می شود.

فهرست

۱۱	بخش اول: مزینان مهد من
۱۲	ارگ (کهندز)
۱۶	شارستان
۲۶	ربض
۴۰	فرهنگ
۴۵	بخش دوم: دیوها و شنیده‌ها
۴۶	قصه‌های شامی
۴۹	عَلَم کردن نام‌ها و صورت‌ها
۵۳	معصیت است بلند کردن کعبه آن ره‌ضه امام حسین:
۵۵	می‌گویم من اینطور می‌فهم
۵۸	دورنگاه فرهنگی برتر
۶۱	اول سینه مرا بزنید بعد مردم را
۶۴	قربانیان رجیع و بئر معونه در انقلاب اسلام
۶۸	تلویزیون‌های شکسته
۷۰	کفتر خال خالی به جای صادق خلخالی
۷۲	عکس امام در ماه
۷۴	من هم می‌گویم غلط کرده
۷۷	بخش سوم: وطن و تن
۷۸	جراحی‌های جراحی
۸۱	از ایستگاه هفت تا آسمان هفت
۸۴	لیله الرغائب
۹۳	بخش چهارم: چراغ‌های خاموش
۹۴	گفتا ز که نالم که از ماست که بر ماست

۹۹.....	گاوهای لاغر گاوهای فربه را خوردند!
۱۰۳.....	مرده‌هایتان را کجا دفن می‌کنید؟
۱۰۵.....	چشم اسفتدیار
۱۰۹.....	لغنت‌های ابولی
۱۱۲.....	چلچراغ

www.ketab.ir

مقدمه

آنچه نگاشته‌ام بارها با وقفه یا تردیدهای چندی مواجه بوده است زیرا صرف نظر از زحمات تالیف، تدوین و هزینه‌های بالای چاپ و نشر که با حقوق معلمی ناسازگار و به سختی و فقط به پشتوانه تعلق و تکلف میسر می‌شود، بازار خواندن و نوشتن و بطور کلی فضای فرهنگی و مطالعاتی هم، کساد و کسالت‌آور است. انگیزه انقباضی و انبساطی در نگارش بدان علت بوده که رکن رکین فرهنگ در شاخه کتاب، در وهله اول با بی‌مهری متولیان این عرصه و در وهله دوم با بی‌غبتی عام و خاص (که این هم نتیجه عملکرد غیرمسئولانه متصدیان است) روبرو است. خروجی زحمات و دغدغه‌های شبانه روزی و تحمل هزینه‌های چند میلیونی با درآمدهای ناچیز، به صورت یک کتاب که حاصل چندین ده ساعت نوشتن و مطالعه و شنیدن و ورق زدن زحمت و آمد در راهبندان‌ها به کتابخانه و مدرسه و مؤسسه‌های انتشاراتی است، هنگامی که حتی بر حمایت و یا همکاران هم رشته آنهم در فضاهای آموزشی، عرضه می‌شود به جای استقبال حریصانه از اثر جدید، وقتی با رودربایستی ورقی می‌زنند و با خونسردی کتاب را مسترد می‌کنند و می‌گویند دوره "کتاب" است نه "کتاب"، چه حالی به آدم دست می‌دهد؟!

آقا محمدخان قاجار خطاب به اخلاف خود سخنی دارد که "اگر خواستید براحتی بر جامعه حکومت کنید مردم را در بی سوادی نگهدارید!" امروزه دیگر مانند گذشته بی‌سوادی فقط در ناتوانی خواندن و نوشتن نیست بلکه خالی بودن جای "کتاب و کتابخوانی" و بطور

کل "مطالعه" در جدول زمان بندی اوقات زندگی، مصداق بی سوادی محسوب می‌شود.^۱ با این حساب، این حرف بی‌مناسبت نیست که "اگر می‌خواهی اسیر هیچ دیکتاتوری نشوی بخوان و بخوان و بخوان".^۲ حالا با این تعبیر می‌توان گفت، هر نیرویی که اراده دور کردن خلق را از کتاب و مطالعه داشته باشد قدم در راه بی‌سواد نگه داشتن مردم گذاشته و به دنبال حاکمیت مطلق برای خود و تبعیت بی‌چون و چرا برای مردم است.

از طرف دیگر باید به یاد داشته باشیم که استقلال در ابعاد فکری، سیاسی و اقتصادی نخستین آن انقلاب اسلامی محسوب می‌شود و یکی از آرزوهای دیرین مردم ما در طول تاریخ خاصه در در سده اخیر بوده است. تجربه تاریخی ایران و سایر جامعه‌هایی که روزگاری زیر سلطه استعمار و تدرتهای بیگانه بوده‌اند نشان می‌دهند، هیچ کشوری تا خود را از بند اسارت و سلطه بیخانه نجات ندهد به سعادت و تعالی و اقتدار نخواهد رسید. در این میان استقلال فکری و فرهنگی ازجمله و پیشتر نیاز استقلال در ابعاد دیگر آن است. امام خمینی در اهمیت استقلال فکری می‌گوید: "استقلال فکری، شرط اول استقلال است"^۳ در جای دیگر می‌گویند: "آنچه ما را می‌ترساند وابستگی فرهنگی است". حال باید پرسید که استقلال فکری و فرهنگی که امام آن را شرط اول استقلال می‌داند چه زمانی حاصل می‌شود؟ زمانی که مردم باور کنند بیگانگان بر آنان برتری ندارند و آن‌ها نیز با همت و پشتکار خود می‌توانند به سازندگی، پیشرفت، نوآوری و تعالی برسند. اینچنین تفکری، استقلال سیاسی و هم اقتصادی را تضمین می‌کند. شرط تحقق استقلال فکری و فرهنگی

^۱. مطالعه ۵ تا ۲۰ دقیقه‌ای در شبانه روز برای هر ایرانی، کشور ما را جزء پائین‌ترین‌ها در سرانه مطالعه قرار داده. روزنامه اطلاعات، ۹۴/۸/۲۸. مقاله فرهنگ سازی.

^۲. نامه‌ای به پسر. دکتر علی شریعتی

^۳. صحیفه نور، ج ۶، ص ۳۷۲. تاریخ معاصر ایران، سال سوم آموزش متوسطه، ۱۳۹۳ ص ۲۲۱

ملت ایران، ایجاد نوعی تحول عمیق اندیشه‌ای و اعتقادی در آنان و بازگشت به فرهنگ غنی اسلام و ایران است. ولی اکنون همت لازم در این زمینه به کار گرفته نمی‌شود. این مجموعه در چهار بخش تنظیم شده است که هر بخش حال و هوای متمایز از بخش‌های دیگر دارد.

۱. مزینان مهد من

در گنجینه تاریخ‌نویسی، نگارش تاریخ‌های محلی "رف" رفیع دارد. نوشتاری که گویش‌ها، لهجه‌ها، لباس، آداب و رسوم، مراسمات، تعزیت و تهنیت، تهاجمات، تدافعات، ابنیه و ابقیه و به طور کلی آنچه عزت یا ذلت یک قطعه مکانی را در یک قطعه زمانی به تحریر بکشد، تاریخ محلی است. بر روی کره زمین به فراوانی می‌توان مکان‌ها و ملت‌هایی را یافت که روزهایی از تاریخ را در فاه صفا برده‌اند لیکن در گذر تاریخ به دلایل و عوامل گوناگون به دره حسیض افتاده‌اند و امروز تنها نامی از آن‌ها نمانده است یا بالعکس. ماندگاری نام این محل‌ها و پاسبانی از اثرات تمدن سارمایی و بعضاً جهانی آن‌ها در کفه تاریخ نویسان و تاریخ نگاران محلی می‌باشد.

۲. دیده‌ها و شنیده‌ها

در این بخش تلاش گردیده اطلاعاتی از پیشینه و هسته خانادگی یک سرباز جبهه رفته و جانباز از جبهه برگشته که از روی احساس معنوی - مذهبی از تمامی امتیازات شغلی و مادی پیش بینی شده در قوانین حاکم بر ارتش چشم پوشی کرده، نه از روی تفاخر و تفاضل بلکه اثبات اینکه جوهر و شاکله فرهنگی و ماهیت اعتقادی غالب آن‌هایی که در این راه قدم برداشتند چه بوده، بدست داده شود.

آنچه در این کتاب و کتاب "فرهنگ القاب" آمده غالباً با نام خدا و دستی بر وضو و از روی وظیفه‌شناسی و مسئولیت پذیری و تشخیص عمل ارجح و بدور از منیت (در سرتاسر

این کتاب از ضمیر "من" استفاده نشده بجز مزینان مهد من) قلم خورده است. بیاد دارم زمانی را که به گفته امام خمینی جنگ در راس امور بود همه آن‌هایی که سخن ایشان را حجت شرعی می‌دانستند جز به اداره کردن جنگ نمی‌اندیشیدند لکن همینا مدت بعد چشم باز کردند و دریافتند "آقا زاده‌های" پرده نشین، غیبت رزمندگان سنگر نشین را غنیمت شمرده و "مشق مدرک" را در دانشگاه‌ها بر "مشق تفنگ" در جبهه‌ها ترجیح داده مدعیان آینده خواهند بود. ناگهان به خود آمدند که ای دل غافل، در ایران پس از جنگ آن‌ها رئیس خواهند بود و اینها مرئوس؛ آن‌ها فرماندار و اینها فرمانبر، آن‌ها ارباب و اینها رعیت، از خود پرسیدند تکلیف امروز چیست؟ جواب: درس خواندن و تخصص گرفتن. منظور اینکه کارها از روی تالیف بود نه تنفیذ، عاقبت اندیشی بود نه عاقبت اندیشی.

در نگارش این بخش به اندازه وسعت تلاش شده انتقال مفاهیم و مطالب، ارزشها و آرمان‌ها با زبان ساده دنبال شود. نویسندگی ادبی، نثری، صرفی و نحوی و رعایت عروض و قافیه و ... در مرتبه هدف‌گیری و هدف‌گذاری زیادی نبوده است. همچنین در این بخش در صداقت آنچه "دیدم" و آنچه "شنیدم" نوشته‌ام نباید شک کرد. اما در اصالت آنچه شنیدم نوشته‌ام می‌توان تامل کرد. زیرا بسیاری از آنچه شنیدم، نوشته‌ام مربوط به چند دهه گذشته و هنگام جوانی و نوجوانی بوده که شنیده‌ها را نه به بیت تالیف و تدوین بلکه در حد کسب اطلاعات شخصی از آن گذر کرده‌ام، به علاوه نخ‌نما هم به مشهورات و معروفات که آن‌ها را در منابع معتبر دیگر می‌توان یافت بپردازم. بلکه خواسته‌ام به افواه و اقوال و محاوراتی که احیاناً از تالیف و تصنیف در مواخذ و منابع بازمانده‌اند پرداخته باشم شاید بتواند در تبیین موضوعی یا اثبات حقیقتی برای آیندگان مفید باشد. در این راه بیشتر فرهنگ شفاهی مایه کار بوده است. مضافاً به اینکه استناد به شنیده‌ها، چندان هم بی‌ریشه

و بی‌پیشینه تاریخی نیست. مثلاً اعتماد السلطنه می‌نویسد: "شنیدم شاه به زنان خودش فرموده، چه کسی قلیان را حرام کرده، بکشید...."^۱

۳. وطن و تن

آنگاه که شیاطین اراده کردند با رخنه به عالم نیکان به طمع استراق سمع از فرشتگان این دیار، آسمان توحیدی و بیشه زار ولایی وطن را بیالایند، شهیدان همچون تیر شهاب‌های آسمانی آنان را تعقیب کردند و از هر طرف رانده شدند.

۴. چراغ‌های خاموش

اندیشه‌های، آرمانی عصر نوجوانی و جوانی مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی، تحت الشعاع سیره نظری و عملی امام خمینی آن الهه الهی در عصر ما، جامعه‌ای علوی را در ذهن‌ها ایجاد کرده بود. لکن بعد از عواملی بروز کرد که موجب استحاله یا معطل ماندن بخشی از عناصر، ارزشها و آرمان‌های انقلاب اسلامی گردید.

۱. اعتماد السلطنه، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، به کوشش ایرج افشار، چاپ امیر کبیر، تهران ۱۳۵۰، ص ۸۹۳ تاریخ معاصر ایران، سال سوم آموزش متوسطه ۱۳۹۳، ص ۳۴.